

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ز

نعمت الله مختار زاده
شهر اِسْن - المان

اختراع جدید

اختراعی کرده (ناظم) جان ما
پیر و بُرنا ، از زن و مردان ما
او که تحقیقات علمی ، روز و شب
نور و بر ، بالا و از پایان ما
هم ز گرمی و ز سردی مزاج
پُشت و پیش و باسن و از ران ما
از حوا و آدم و ، زان کار خیر
بستر و از برف و از بوران ما
گفت ! دارم یک سؤال جالبی
کس نداده ، پاسخ پُرسان ما
لیک میخواستیم که از تو بشنوم
تا که گردد چهره ها خندان ما
گفتمش ! سر تا به پا گوشم ، بگو
ای که هستی ، شاعر دوران ما
گفت ! بهر چی ، کفل های زنان
سرد تر از باسن مردان ما
لیک ساق و زانو و ران زنان

گر متر باشد ز آقایان ما
این تفاوت ، از کجا پیدا شدی
چیست ؟ برگو ، حجت و برهان ما
گر بفهمی ، جایزه گیری ز من
روز و شب ، هر لحظه و هر آن ما
گر نداری این حقیقت را قبول
امتحانش ، باعث ایقان ما
گفتمش ! والله ندانم این خبر
راست میباشد ، و یا بطلان ما
از سر لطف و کرم ، ای آشنا
مشکلی را ، خود نما آسان ما
گفت ! بشنو ، اختراعی کرده ام
از کتاب و دفتر و دیوان ما
پرسشتم را خود دهم پاسخ چنان
تا بگوئی آفرین ، بر جان ما
اولین باری که آدم ، با حوا
فکر پیدا کردن پنهان ما
هر دو روی بستر برف زمین
روی هم افتاده و ، عریان ما
باسن و پشت حوا ، بر روی برف
ساق و رانش در هوا ، رقصان ما
پشت آدم ، با کفل ، سوی هوا
ساق و زانو ، بر زمین چسبان ما
با محبت ، تخم آدم کشته شد
باغ وصلت ، پر گل و ریحان ما
گرمی و سردی اعضای بدن
آمدی در رگ رگ و شریان ما
از حوا ، زن ، مرد ، از آدم گرفت
ارث گرم و سردی ابدان ما

اینچنین آمد میان مرد و زن
سردی و گرمی نامیزان ما
اختراعی کردم و گفتم ترا
تا نباشی بعد ازین حیران ما
لیک دارم از حضورت ، خواهشی
این جدید اختراع ، پنهان ما
«نعمت» هرگز می نگفتی بر کسی
صرف منظومش شدی آسان ما

(20 اپریل 2009)